

به نام خدا



دانشگاه صنعتی امیرکبیر دانشکده مهندسی کامپیوتر مبانی اینترنت اشیا

گزارش بخشهای تئوری تمرین سری سوم

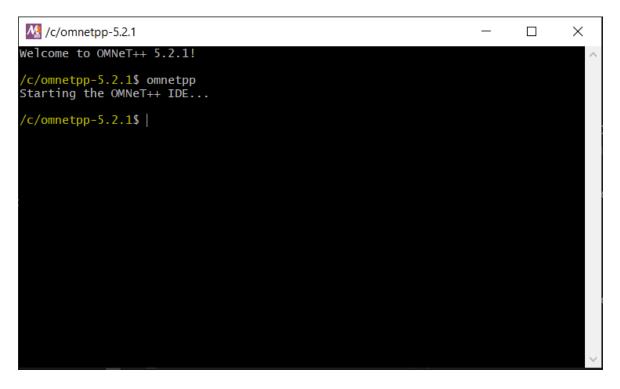
محمد توكلي	نام و نام خانوادگی
9771.14	شماره دانشجویی

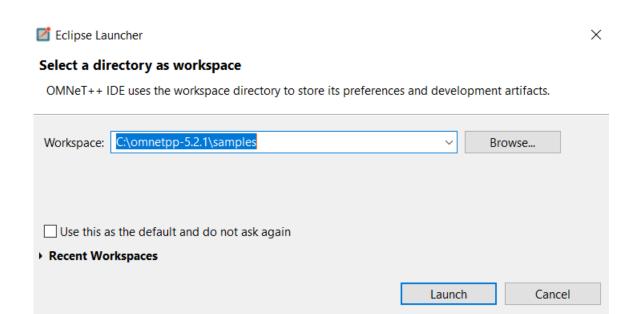
فهرست گزارش سوالات (لطفاً پس از تكميل گزارش، اين فهرست را بهروز كنيد.)

٣	سوال ۱ – عنوان سوال
	سوال ۲ – عنوان سوال
٩	سوال ٣ - عنوان سوال
	سوال ۴ – عنوان سوال
	سوال ۵ – عنوان سوال
١٧	سوال ۶ - عنوان سوال
١٨	سوال ٧- عنوان سوال
19	سوال ۸ – عنوان سوال
۲٠	سوال ۹ - عنوان سوال
77	سوال ۱۰ – عنوان سوال
	سوال ١١– عنوان سوال
۲۵	سوال ۱۲ - عنوان سوال
79	سوال ۱۳ - عنوان سوال
۲۸	سوال ۱۴ – عنوان سوال
۲۹	سوال ۱۵ - عنوان سوال
	سوال ۱۶ – عنوان سوال

سوال ۱ - عنوان سوال

نرم افزار های ذکر شده با موفقیت نصب شدند که تصاویر آنها به صورت زیر است:





سوال ۲ – عنوان سوال

مشخص کننده نوع و نام شبکه است که LoRaNetworkTest برای آن وارد شده.

[General]
network = LoRaNetworkTest
rng-class = "cMersenneTwister"

در این قسمت وِیژگی های شبکه مشخص میشوند که برای gateway های شماره ۱ و ۲ و network در این قسمت وِیژگی های شبکه مشخص میکنیم.

که به ترتیب نشان دهنده تعداد gateway ها،

تعداد ایلکیشن های udp،

شماره پورت محلی،

شماره پورت مقصد،

آدرس مقصد،

شماره gateway

```
# network features

**.numberOfGateways = 1

**.loRaGW[0].numUdpApps = 1

**.loRaGW[0].packetForwarder.localPort = 2000

**.loRaGW[0].packetForwarder.destPort = 1000

**.loRaGW[0].packetForwarder.destAddresses = "networkServer"

**.loRaGW[0].packetForwarder.indexNumber = 0
```

مشخص کننده فعال سازی یا غیر فعال سازی مکانیزم (ADR(Adaptive Data Rate در ADR) در server است

.networkServer..evaluateADRinServer = false

به ترتیب نشان دهنده تعداد نود های استفاده شده در شبکه،

تعداد پکت های ارسالی که اگر صفر باشد نشان دهنده بی نهایت بودن آن است که با پایان زمان شبیه سازی، شبیه سازی تمام میشود،

مدت زمان شبیه سازی که بعد از آن، شبیه سازی تمام میشود،

مدت زمان اولیه برای warm-up که در آن مدت نتایج شبیه سازی درنظر گرفته نمیشوند و در خروجی در قسمت scalar نیز حساب نمیشوند،

```
**.numberOfNodes = 50
**.numberOfPacketsToSend = 0 #0 means infinite number of packets
sim-time-limit = 7d
warmup-period = 1d
simtime-resolution = -11
                                    به ترتیب نشان دهنده مدت زمان گذشته شده برای ارسال اولین یکت،
                                                             مدت زمان برای ارسال یکت بعدی،
                         فعال سازی روش دسترسی به کانال (Media Access) که از نوع aloha باشد یا نه
**.timeToFirstPacket = exponential(100s)
**.timeToNextPacket = exponential(100s)
**.alohaChannelModel = false
                           ویژگی های نود هارا در این قسمت مشخث میکنیم که به ترتیب بیانگر:
                                                        فعال کردن مکانیزم ADR در نودها،
                                      مقدار (SF(Spreading Factor که باید بین ۷ تا ۱۲ باشد،
                                                                       يهناي باند كانال،
                                                              مشخص كننده coding rate،
                                     مشخص كننده transmission power يا همان توان ارسالي
#nodes features
**.loRaNodes[*].**.initFromDisplayString = false
**.loRaNodes[*].**.evaluateADRinNode = false
**.loRaNodes[*].**initialLoRaSF = 12
**.loRaNodes[*].**initialLoRaBW = 125 kHz
**.loRaNodes[*].**initialLoRaCR = 4
**.loRaNodes[*].**initialLoRaTP = (2dBm + 3dBm*intuniform(0, 4))
                                                                 به ترتیب مشخص کننده:
                                              محل x و y های نود ها در محیط مشخص شده
# random deployment of nodes in a square square area
**.loRaNodes[*].**.initialX = uniform(0m, 9800m)
**.loRaNodes[*].**.initialY = uniform(0m, 9800m)
                                                                 به ترتیب مشخص کننده:
                                                                   فعال سازی gateway،
                                                               مختصات x برای gateway
                                                               مختصات y برای gateway
```

رزولوشن زمانی برای مدت شبیه سازی

```
**.loRaGW[0].**.initialY = 4900m
              این قسمت ویژگی های مصرف توان شبکه لوراون را مشخص میکند که ترتیب نمایانگر:
                                                                      نوع مصرف انرژی،
                                                               ماژول تامین کننده انرژی،
                                 آدرس فایل کانفیگ و یارامتر های مشخص کننده مصرف انرژی
#power consumption features
**.loRaNodes[*].LoRaNic.radio.energyConsumerType = "LoRaEnergyConsumer"
**.loRaNodes[*].**.energySourceModule = "IdealEpEnergyStorage"
**.loRaNodes[*].LoRaNic.radio.energyConsumer.configFile
xmldoc("energyConsumptionParameters.xml")
                            این قسمت ویژگی های عمومی را مشخص میکند که به ترتیب بیانگر:
                                                حداقل مقدار x برای محاسبه مساحت محیط،
                                                حداقل مقدار y برای محاسبه مساحت محیط
                                                حداقل مقدار z برای محاسبه مساحت محیط
                                               حداکثر مقدار x برای محاسبه مساحت محیط
                                               حداکثر مقدار y برای محاسبه مساحت محیط
                                                حداکثر مقدار z برای محاسبه مساحت محیط
#general features
**.sigma = 0
**.constraintAreaMinX = 0m
**.constraintAreaMinY = 0m
**.constraintAreaMinZ = 0m
**.constraintAreaMaxX = 9800m
**.constraintAreaMaxY = 9800m
**.constraintAreaMaxZ = 0m
             این بخش نمایانگر این است که بخش های انتقال و دریافت از هم متمایز شده اند یا خیر
```

#gateway features

**.LoRaGWNic.radio.iAmGateway = true

.loRaGW[0]..initialX = 4900m#uniform(0m, 50m)

LoRaNetworkTest.**.radio.separateTransmissionParts = false
LoRaNetworkTest.**.radio.separateReceptionParts = false

این بخش به ترتیب بیانگر:

آدرس فایل کانفیگ برای delayer،

نوع رسانه رادیویی،

نوع pathloss که برای محیط شهری و غیر شهری متفاوت است،

حداقل زمان تداخل،

نشان دادن آدرس IP بر روی لینک ها

^{**.}delayer.config = xmldoc("cloudDelays.xml")

^{**.}radio.radioMediumModule = "LoRaMedium"

^{**.}LoRaMedium.pathLossType = "LoRaPathLossOulu"

^{**.}minInterferenceTime = 0s

^{**.}displayAddresses = false

سوال ٣ - عنوان سوال

• آخرین توان ارسال شده توسط هر گره به صورت زیر میباشد:

Module	Name	Value	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[0].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[1].SimpleLoRaApp	finalTP	5.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[2].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[3].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[4].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[5].SimpleLoRaApp	finalTP	11.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[6].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[7].SimpleLoRaApp	finalTP	11.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[8].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	
LoRaNetworkTest.loRaNodes[9].SimpleLoRaApp	finalTP	2.0	

١

که به ترتیب گره اول مقدار ۲، گره دوم مقدار ۵، گره سوم و چهار و پنجک مقدار ۲، گره ششم مقدار ۱۱، گره هفتم مقدار ۲ اتخاذ میکنند.

• آخرین فاکتور گسترش (Spreading Factor) ارسال شده توسط هر گره به صورت زیر میباشد:

Module	Name	Value
LoRaNetworkTest.loRaNodes[0].SimpleLoRaApp	finalSF	10.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[1].SimpleLoRaApp	finalSF	10.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[2].SimpleLoRaApp	finalSF	7.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[3].SimpleLoRaApp	finalSF	8.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[4].SimpleLoRaApp	finalSF	8.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[5].SimpleLoRaApp	finalSF	12.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[6].SimpleLoRaApp	finalSF	9.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[7].SimpleLoRaApp	finalSF	12.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[8].SimpleLoRaApp	finalSF	8.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[9].SimpleLoRaApp	finalSF	9.0

که به ترتیب گره اول و گره دوم مقدار ۱۰، گره سوم مقدار ۷، گره چهارم و پنجم مقدار هشت، گره ششم مقدار ۱۲، گره هفتم مقدار ۹، گره هشتم مقدار ۱۲، گره نهم مقدار ۸ و گره دهم مقدار ۹ را اختیار میکنند.

• تعداد بسته های ارسالی هرگره به صورت زیر میباشد:

Module	Name	Value
LoRaNetworkTest.loRaNodes[0].SimpleLoRaApp	sentPackets	3476.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[1].SimpleLoRaApp	sentPackets	3501.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[2].SimpleLoRaApp	sentPackets	4824.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[3].SimpleLoRaApp	sentPackets	4561.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[4].SimpleLoRaApp	sentPackets	4543.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[5].SimpleLoRaApp	sentPackets	1883.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[6].SimpleLoRaApp	sentPackets	4098.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[7].SimpleLoRaApp	sentPackets	1898.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[8].SimpleLoRaApp	sentPackets	4500.0
LoRaNetworkTest.loRaNodes[9].SimpleLoRaApp	sentPackets	4084.0

که به ترتیب گره اول ۳۴۷۶ بسته، گره دوم ۳۵۰۱ بسته، گره سوم ۴۸۲۴ بسته، گره چهارم ۴۵۶۱ بسته، گره پنجم ۴۵۴۳ بسته، گره ششم ۱۸۸۳ بسته، گره هفتم ۴۰۹۸ بسته، گره هشتم ۱۸۹۸ بسته، گره نهم ۴۵۰۰ بسته و گره دهم ۴۰۸۴ بسته ارسال کرده اند.

• انرژی مصرفی هر گره به صورت زیر میباشد:

Module	Name	Value
LoRaNetworkTest.loRaNodes[0].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	419.98085682313
LoRaNetworkTest.loRaNodes[1].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	429.27426499711
LoRaNetworkTest.loRaNodes[2].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	398.73077929918
LoRaNetworkTest.loRaNodes[3].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	403.49883377474
LoRaNetworkTest.loRaNodes[4].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	402.31100776853
LoRaNetworkTest.loRaNodes[5].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	539.81195223368
LoRaNetworkTest.loRaNodes[6].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	401.12141194681
LoRaNetworkTest.loRaNodes[7].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	542.59559350139
LoRaNetworkTest.loRaNodes[8].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	399.07335687851
LoRaNetworkTest.loRaNodes[9].LoRaNic.radio.energyConsumer	totalEnergyCo	404.56860028383

• مجموع تعداد بسته های دریافت شده در دروازه به صورت زیر است:

Module	Name	Value
LoRaNetworkTest.IoRaGW[0].packetForwarder	LoRa_GWPacketReceived:count	7208.0

که مطابق شکل ۷۲۰۸ بسته توسط gateway دریافت شده است

• مجموع تعداد بسته های دریافت شده در سرور شبکه به صورت زیر است:

Module	Name	Value
LoRaNetwork Test. network Server. udp App [0]	totalReceivedPackets	7208.0

که مطابق شکل ۷۲۰۸ بسته توسط سرور شبکه دریافت شده است.

سوال ۴ – عنوان سوال

پارامتر هایی که برای تمایز بین محیط های شهری (Urban) و محیط های غیرشهری (Sub-Urban) در شبیه سازی تعریف شده در مقاله توضیح داده شده اند در جدول زیر آمده است:

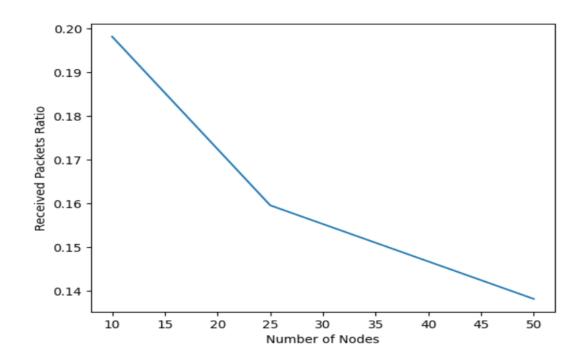
Scenario	$d_0[m]$	$\overline{PL}(d_0)$	η		$\sigma[dB]$	
				Ideal	Moderate	Typical
Sub-urban	1000	128.95	2.32	0	3.540	7.08
Urban	40	127.41	2.08	0	1.785	3.57

- که پارامتر d0 برحسب متر است که نشان دهنده فاصله بین فرستنده و گیرنده میباشد. که در محیط شهری ۴۰ متر و در محیط غیرشهری ۱۰۰۰متر مقدار دهی شده اند.
- پارامتر ($\overline{PL}(d0)$ همان میانگین تضعیف مسیر (path attenuation) که کاهش در چگالی تو ان یک موج الکترومغناطیسی است هنگامی که در فضا منتشر میشود. و مرجع فاصله آن نیز $\overline{d0}$ میباشد. که در محیط شهری مقدار ۱۲۷.۴۱ و در محیط غیرشهری مقدار ۱۲۸.۹۵ به خود گرفته است.
- پارامتر η که میزان کاهش قدرت سیگنال دریافتی با فاصله را نشان میدهد و مقدار آن به جنس محیط انتشار بستگی دارد. که در محیط شهری مقدار ۲.۰۸ و در محیط غیر شهری مقدار ۲.۳۲ را اختیار کرده است.
- و همچنین شبیه سازی در سه چنل با شرایط متفاوت در سه چنل با شرایط متفاوت در قسمت های Ideal, Moderate, Typical صورت گرفته است که مقدار آنهارا در جدول مشاهده میکنیم.
- · همچنین اندازه محیط در شهر ۴۸۰ * ۴۸۰ و در محیط غیرشهری ۹۸۰۰ * ۹۸۰۰ متر مربع شبیه سازی شده است.

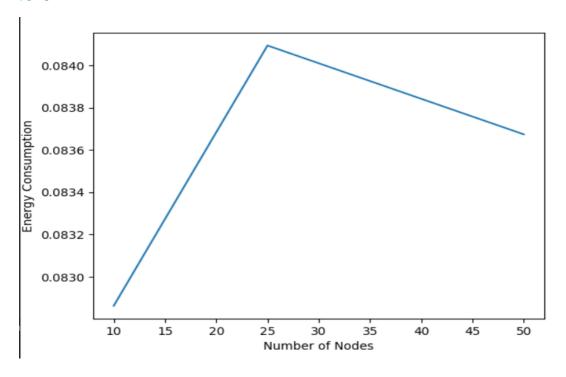
سوال ۵ - عنوان سوال

Number of Nodes: [10, 25, 50], Spreading Factor: 7, Environment: Urban

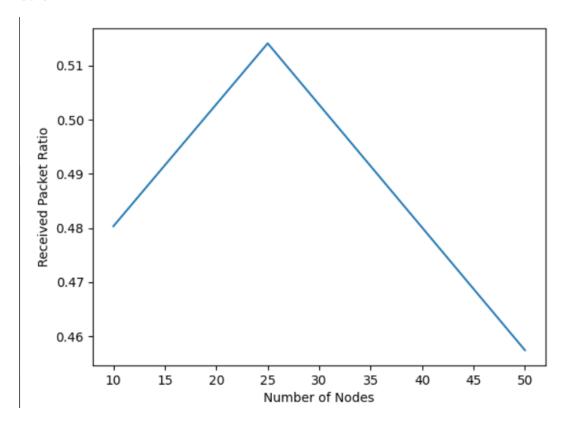
:معيار اول



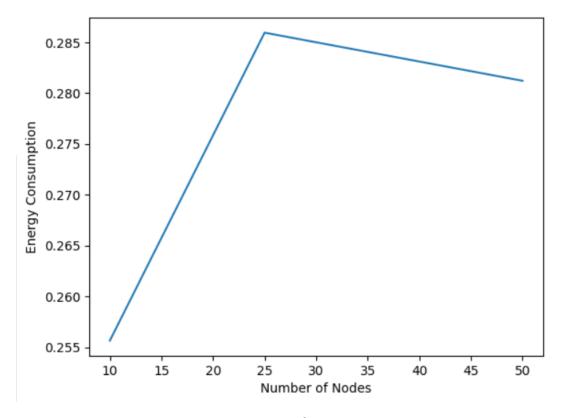
:معيار دوم



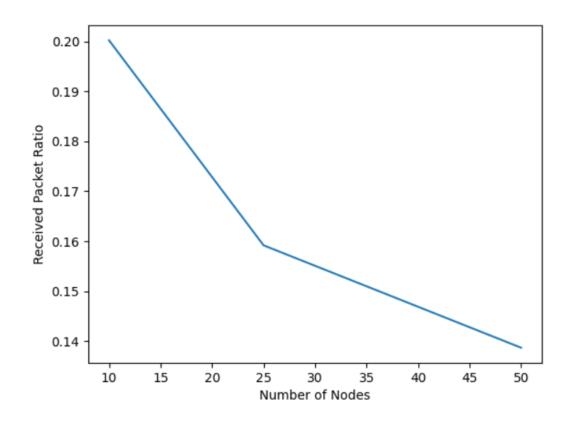
Number of Nodes: [10, 25, 50], Spreading Factor: 12, Environment: Urban معيار اول:



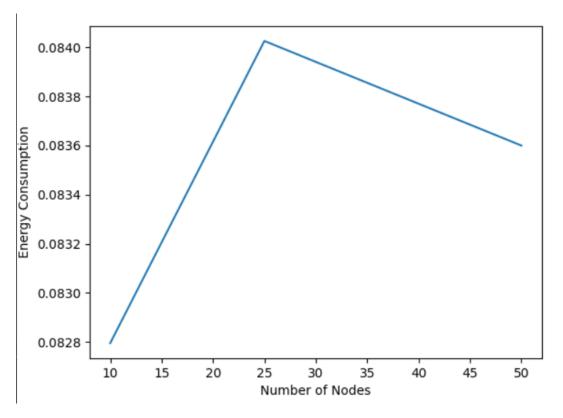
:معيار دوم



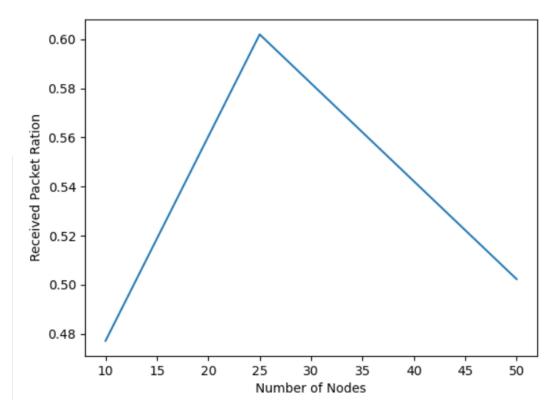
Number of Nodes: [10, 25, 50], Spreading Factor: 7, Environment: Sub-Urban معيار اول:



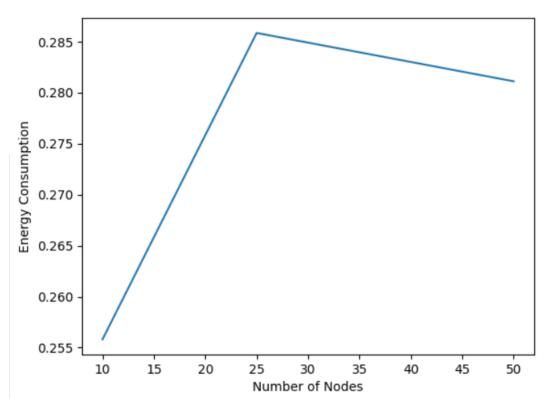
:معيار دوم



Number of Nodes: [10, 25, 50], Spreading Factor: 12, Environment: Sub-Urban معيار اول:



:معيار دوم



سوال ۶ – عنوان سوال

طبق نمودار های بدست آمده از سوال قبل تاثیر پارامتر های مختلف برروی نرخ بسته های دریافتی و انرژی مصرفی به صورت زیر است:

- تعداد گره ها: اگر SF=7 باشد با افز ایش تعداد گره ها، نرخ بسته های دریافتی کاهش پیدا میکند. اما اگر SF=12 باشد با افز ایش تعداد گره ها، نرخ بسته های دریافتی ابتدا افز ایش یافته سیس کاهش میابد.
- همچنین با افزایش تعداد گره ها، انرژی مصرفی در ۴ حالت بررسی شده، ابتدا افزایش یافته سیس کاهش میابد.
- فاکتور گسترش (Spreading Factor): طبق نمودار های بدست آمده مشاهده میکنیم با افزایش فاکتور گسترش، هم نرخ بسته های دریافتی و هم انرژی مصرفی افزایش میابد و با کاهش فاکتور گسترش، نرخ بسته های دریافتی و انرژی مصرفی کاهش میابد. پس فاکتور گسترش با نرخ بسته های دریافتی و انرژی مصرفی رابطه مستقیم دارد.
- نوع محیط شبیه سازی (Simulation Environment): با تغییر محیط از شهری به غیرشهری تغییر محسوسی در نرخ بسته های دریافتی و انرژی مصرفی مشاهده نمیکنیم ولی با تغییر محیط شهری به غیرشهری نرخ بسته های دریافتی و انرژی مصرفی به مقدار اندکی افزایش میابد.

سوال ٧- عنوان سوال

مکانیزم (ADR(Adaptive Data Rate باید توسط نود های نهایی فعال شود. نود نهایی برای فعال کردن این مکانیزم (ADR(Adaptive Data Rate میتواند پارامتر این مکانیزم flag ADR در هدر مسیج uplink را باید ۱ کند، سپس network server میتواند پارامتر های ارسالی که network server کنترل میکند شامل پارامتر های زیر است:

- Spreading Factor (SF)
 - Bandwidth •
 - Transmission power

مکانیزم ADR برای بهینه کردن مصرف انرژی و دیتاریت است و باعث بهینه کردن مصرف توان نودهای نهایی میشود درعین حال که تضمین میکند بسته ها به مقصد میرسند. وقتی مکانیز ADR فعال شده باشد network server به نودها اطلاع میدهد که توان ارسالی خودرا کاهش دهند و یا دیتاریت را افزایش دهند. نودهایی که به gateway نزدیک هستند باید از spreading factor کمتر و درنتیجه spreading factor بیشتری استفاده کنند و نود هایی که به فاصله دورتری از gateway قرار دارند باید از spreading factor بیشتری استفاده کمتری استفاده کنند بخاطر اینکه به budget بزرگتر و نیاز دارند.

مکانیزم ADR باید زمانی که نود ها در شرایط فرکانسی رادیویی پایداری قراردارند فعال شود پس این مکانیزم عموما برای نود های ثابت (static) فعال میشوند. اگر نودهای استاتیک در شرایط فرکانسی پایداری نباشند مکانیزم ADR باید برای آنها غیرفعال شود. دستگاه های درحال حرکت نیز باید خود با توجه به شرایط تشخیص دهند که چه زمانی درشرایط این هستند که مکانیزم ADR را فعال کنند.

سوال ۸ – عنوان سوال

اگر در شبکه LoRaWAN دو بسته با فاکتور انتشار یکسان (Spreading Factor)، فرکانس مشابه و همزمان ارسال شوند آنگاه در سمت گیرنده دو سیگنال ارسال شده باهم تداخل کرده و collision رخ میدهد. پس درشبکه LoRaWAN دو بسته نباید هزمان با فاکتور انتشار یکسان و در فرکانس مشابه ارسال شوند.

درصورتی در شبکه LoRaWAN میتوان با وجود collision دماژولاسیون انجام داد که شرایط زیر برقرار باشد:

- یکی از سیگنال ها حداقل 6db از سیگنال دیگر بالاتر باشد.
- بسته های رادیویی در کانال های متفاوت رادیویی ارسال شده باشند (میدانیم لوراون از کانال های باند 125kHz و یا 500kHz استفاده میکند پس این امکان وجود دارد)
- بسته های رادیویی میتوانند در کانال فرکانسی یکسان ارسال شوند اما باید فاکتور انتشار آنها در این شرایط متفاوت باشد. که میدانیم در شبکه لوراون ۶ نوع فاکتور انتشار متفاوت داریم که از SF7 تا SF12 نامگذاری میشوند که SF7 بیشترین و SF12 کمترین data-rate را دارند.

سوال ۹ – عنوان سوال

استفاده از شبکه Sigfox مزایا و معایبی دارد که به صورت زیر است.

مزایا استفاده از شبکه Sigfox:

- سطح نویز و تداخل سیگنال ها به دلیل استفاده از ultra-narrow band بسیار پایین است.
- سطح استفاده از توان بسیار پایین است و به این دلیل باتری های استفاده شده در نود ها عمر طولانی تری دارند.
- به دلیل نویز کمتر سیگنال در گیرنده با حساسیت و دقت بیشتری دریافت میشود و نویز کمتری دارد.
 - · طراحی آنتن های آن هزینه کمی دارد.
- یک پروتکل سبک است که حداکثر اندازه بدنه آن ۱۲بایت است و برای ارسال ۱۲بایت داده، ۲۶ بایت است و برای ارسال ۱۲بایت داده، ۲۶ بایت استفاده میکند. پس نسبت به پروتکل های wireless استاندارد دیگر overhead کمتری دارد. برای مثال پروتکل IP برای ارسال ۱۲بایت داده باید ۴۰ بایت مصرف کند زیرا هدر آن برای هندل کردن ip فرستنده و گیرنده بزرگ میشود.
- پس به دلیل اینکه overhead کمتری دارد پس برای ارسال سیگنال به انرژی کمتری نیاز است و عمر باتری نودها طولانی تر میشود.
 - بخاطر اینکه overhead کمتری مصرف میکند پس کاربر دیتا بیشتری میتواند ارسال کند که این باعث میشود ظرفیت شبکه افزایش یابد.
 - · به دلیل link budget مناسبی که دارد پوشش گسترده ای دارد.

معایب استفاده از شبکه Sigfox:

- ارتباط Downlink تنها بعد از ارتباط Uplink مقدور است و به اینصورت ممکن است دریافت داده با تاخیر زیادی مواجه شود.
 - تعداد پیام های قابل ارسال در uplink در روز حداکثر ۱۴۰ پیام است.
 - تعداد پیام های قابل دریافت Downlink در روز حداکثر ۴ پیام میباشد.
- به دلیل محدودیت دریافت پیام که ۴ پیام در روز است نمیتوانیم به ازای هر پیام در به uplink به دلیل محدودیت دریافت کنیم و این مورد تاحدی از اطمینان این شبکه کاهش میدهد(که البته با روش های دیگر مانند ارسال چندباره اطمینان را ایجاد میکنیم.)

- Data-rate بسیار پایینی دارد پس نمیتوانیم برای اپلیکیشن هایی که نیازمند Data-Rate مناسبی هستند استفاده کنیم.
 - در محیط های متحرک به دلیل تداخل و فرکانس های غیردقیق دقت خوبی ندارد.

سوال ۱۰ – عنوان سوال

در مرحله اول باید به این نکته اشاره کنیم که Sigfox از طریق ارتباط با شرکت های جهانی شناخته شده در حوزه امنیت سایبری، قطعات و دستگاه های امن، ماژول های سخت افزاری امن، رمزنگاری امنیت و طراحی اصولی مبتنی بر امنیت، امنیت را در تمامی مراحل طراحی پروتکل خود درنظر گرفته است، پس دیوایس ها، زیرساخت های شبکه و سرویس های ابری استفاده شده در شبکه Sigfox درون خود امنیت آنها ملاحظه شده است.

همچنین Sigfox از راهکار های مهم دیگری نیز برای ایجاد امنیت استفاده میکند که به صورت زیر است:

- استفاده از firewall؛ نود های ساخته شده Sigfox در عین حال که اشیاء IoT هستند اما به طور مستقیم امکان اتصال به اینترنت را ندارند و به پروتکل IP دسترسی ندارند و فقط نودهای مستقیم امکان اتصال به اینترنت را ندارند و به پروتکل Sigfox در ارتباط باشند. هنگامی که نود ها بخواهند پکتی را در بستر اینترنت بفرستند یک پیام رادیویی منتشر میکنند که این پیام توسط چندین access station دریافت میشود و به سمت هسته شبکه ارسال میشود و سپس هسته شبکه آن را به اپلیکیشن ارسال میکند. و اگر نودها نیازمند جوابی باشند اپلیکیشن ها موظف هستند در پنجره زمانی کوتاه جواب را به دست نود ها برسانند. پس نود های Sigfox این امکان را ندارند پنجره زمانی کوتاه جواب را به دست نود ها برسانند. پس نود های کنند.
- Authentication: تمامی دیوایس های ساخته شده توسط Sigfox یک کلید هویتی مخصوص به خود دارند که این باعث میشود هر پیام ارسال شده و دریافت شده حاوی توکنی باشد که بر اساس این کلید هویتی محاسبه شده است. و تشخیص معتبر بودن توکن هویت فرستنده را مشخص میکند که نکته مهمی است زیرا فرستنده باید شناخته شده باشد. علاوه بر آن تمامیت و یکپارچگی پیام را نیز تایید میکند.
 - Anti-replay: هر پیام ارسال شده در بستر Sigfox شامل یک Anti-replay: میباشد که صحت آن توسط هسته شبکه Sigfox تایید میشود و این مورد باعث میشود حملات امنیتی برای شنود بسته ها و replay attack ها شناسایی شوند. و صحت sequence counter توسط توکن هویتی موجود در پیام تایید میشود.

سوال ۱۱– عنوان سوال

پشته پروتکل Sigfox به صورت زیر میباشد:

Application Layer	
Frame	
MAC Layer	ĺ
PHY Layer	ĺ
(868MHz / 902MHz Radios)	

که از پایین به بالا لایه اول لایه فیزیکال، لایه دوم لایه MAC، لایه سوم لایه Frame و لایه آخر لایه Application

لایه application معادل همان لایه در مدل OSI است، لایه Frame معادل لایه های Transport و Physical و MAC معادل همان لایه در مدل Network در مدل OSI، لایه MAC معادل لایه Data Link و لایه OSI است.

توضحیات این ۴ لایه در پروتکل Sigfox به صورت زیر است:

- Physical Layer: ترکیب کردن و ماژولاسیون سیگنال هارا به روش DBPSK در هنگام Downlink انجام میدهد. همچنین Sigfox از تکنولوژی و به روش GFSK در هنگام Downlink انجام میدهد. همچنین Thra narrow band استفاده میکند که باعث میشود. پهنای باند نیز 100Hz میباشد که مقداری کمی است و باعث میشود Data-rate به مقدار قابل توجهی کمتر از بقیه پروتکل های LPWAN ها باشد. همچنین ارتباطات نیز از نوع Half-duplex است و دیوایس در زمان های خاصی میتواند داده دریافت کند که میزان بسته های ارسالی و دریافتی نیز محدودیت دارد.
 - MAC Layer: فیلد هایی برای احراز هویت دستگاه ها، تشخیص خطا در بسته ها اضافه میکند. همچنین این لایه هیچ سیگنالی ارسال نمیکند که باعث میشود دستگاه ها با شبکه هماهنگ نباشن. هر دستگاه در شبکه Sigfox آیدی مربوط به خود را دارد که این مورد باعث میشود

احراز اهویت پیام و مسیریابی به درستی انجام پذیرد. همچنین به دلیل محدودیت دریافت Ack برای افزایش قابلیت اطمینان هر نود پیام را در سه کانال فرکانسی مختلف ارسال میکند که هر کدام توسط سه gateway دریافت میشوند بدین طریق یک پکت ۹ بار ارسال میشود. که موارد بیان شده باید در MAC Frame مشخص شوند.

- Frame Layer: با استفاده از دیتاهای لایه اپلیکیشن radio frame را به وجود می آورد. و به طور خود کار Sequence Number را به فریم اضافه میکند.
 - Application Layer: کارهای مربوط به encryption توسط کاربر و دیگر امور مربوط به ارتباط با کاربر در این لایه انجام میشود.

سوال ۱۲ – عنوان سوال

در Sigfox از کانال های Ultra narrow band استفاده میشوند که بسیار باریک هستند و پهنای باند بسیار کمی را در اختیار ما میگذارند. که این مورد باعث کاهش نویز و تداخل بین سیگنال ها میشود و به دلیل نویز کمتر سیگنال در گیرنده با حساسیت بیشتری همراه است. کم بودن پهنای باند باعث میشود به از ای هر سیگنال تعداد بیت های کمتری بتوانیم بفرستیم در نتیجه data-rate به مقدار قابل توجهی نسبت به دیگر پروتکل های LPWAN ها کاهش میابد. که این مورد باعث میشود voice و یا datastream های سبک و کم حجم را بتوانیم ارسال کنیم.

این تکنولوژی زمانی مورد استفاده قرار میگیرد که تعداد نود ها و دستگاه های متصل زیاد باشند و انتقال داده زیاد نباشد زیرا نرخ انتقال داده پایین است. تکنولوژی UNB در LPWAN ها مورد استفاده قرار میگیرد. انتقال داده های کم حجم، ارسال غیرمکرر داده و توان ارسالی پایین از ویژگی های این تکنولوژی است که باعث میشود مصرف باتری نود ها کاهش پیدا کند.

فرکانس کاری UNB ها، معمولا VHF و یا UHF میباشد بخاطر اینکه ویژگی های انتشار سیگنال های رادیویی مناسب اپلیکیشن های UNB با رنجی بیشتر از 10km است.

سوال ۱۳ – عنوان سوال

یکی از معایب پروتکل LoRaWAN نسبت به NB-IoT این است که دیتاریت کم تری دارد و سرعت انتقال دیتا کمتر میباشد و هر سیگنال تعداد بیت های کمتری را با خود حمل میکند و این مورد برای دوچرخه های هوشمند (e-bikes) یک عیب محسوب میشود زیرا آبدیت شدن مکان دوچرخه با تاخیر انجام میشود که این موضوع برای ما خوش آیند نیست. یکی دیگر از معایب LoRaWAN نسبت به NB-IoT، تاخیر بیشتر میباشد که دیتاریت پایین تر از عوامل آن است.

از معایب پروتکل Sigfox نسبت به NB-IoT نیز این است که تعداد نود های زیادی را ساپورت نمیکند و زیاد Scalable نیست که این موضوع برای دوچرخه های هوشمند عیب محسوب میشود زیرا ممکن است تعداد دوچرخه ها زیاد باشد و در این شرایط پروتکل Sigfox پاسخگوی نیاز های ما نیست. همچنین در Sigfox محدودیتی در ارسال داده ها (Uplink) که ۱۴۰ پیام در روز است و همچنین در دریافت داده ها (Downlink) نیز محدودیت داریم که ۴ بسته در روز است و این مورد برای دوچرخه های هوشمند زیاد مناسب نیست زیرا باید از مکان دوچرخه ها در فواصل زمانی کم آگاه شویم که اگر باتری آنها نزدیک تمام شدن بود بتوانیم آگاه شویم و برای تعویض آن اقدام کنیم، همچنین باید مکان دوچرخه هارا در فواصل زمانی کم داشته باشیم که در صورت شرایط مشکوک به سرقت بتوانیم از محل دوچرخه آگاه شویم که محدودیت در ارسال پیام این امکانات را به ما نمی دهد. همچنین پروتکل دوچرخه آگاه شویم که محدودیت در ارسال پیام این امکانات را به ما نمی دهد. همچنین پروتکل عیب بزرگی محسوب میشود زیرا و سایلی هستند که پیوسته در حال حرکت و تغییر مکان هستند و عیب بزرگی محسوب میشود زیرا و سایلی هستند که پیوسته در حال حرکت و تغییر مکان هستند و مکان پابی دو چرخه را برای ما دشوار میساز د.

یکی از مزیت های خوب NB-IoT که آن را برای مکان یابی دوچرخه های هوشمند مناسب میسازد پوشش بسیار خوب آن است که این مورد مدیریت دوچرخه هارا آسانتر میکند. همچنین چون برپایه شبکه های سلولار هستند پس قدرت نفوذ پذیری آنها در Indoor و Outdoor بسیار بهتر از پروتکل های دیگر در زمینه LPWAN ها است که این موضوع باعث میشود مکان یابی دوچرخه ها در مکان های پر تراکم شهری و نواحی دیگر دقیق تر باشد و برای مثال اگر سرقتی رخ دهد و دوچرخه به مکان های زیر زمین برده شود باز قدرت نفوذ پذیری خوب آن در محیط های Indoor باعث میشود همچنان بتوانیم مکان دوچرخه هارا داشته باشیم. همچنین bdata-rate بالای آن باعث میشود آپدیت شدن مکان دوچرخه برای ما سریعتر انجام شود و این موضوع از باین جهت که مکان بروز شده دوچرخه را سریعتر بتوانیم مشاهده کنیم حائز اهمیت میباشد. همچنین کفیت سرویس (Quality of Service) بهتری نسبت به دو پروتکل دیگر دارد.

همچنین قابل ذکر است که در زمینه مکان یابی برای دوچرخه های هوشمند بعضی از پروتکل ها مانند LTE-M عملکر بهتری از مانند NB-IoT که نسبت به NB-IoT عملکر بهتری از

چه های موسمند این دو پروتین نسبت به	خود نشان میدهند و در واقعیت در مکان یابی دوچر. ND Jo
	'NB-Io تر جیح داده میشوند.

سوال ۱۴ – عنوان سوال

میدانیم یکی از ویژگی های پروتکل LTE-M، (LTE-M) enhanced discontinuous reception (eDRX) میباشد نود ها در قواصل زمانی بین paging cycle ها به مود sleep میروند و به اصلاح هستند.

مکانیزم paging برای شروع کردن سرویس ها برای (UE(users equipment هایی که در مود idle هستند استفاده میشود. و مود idle همانطور که میدانیم برای صرفه جویی در مصرف باتری میباشد. مکانیزم paging کاربرد های زیادی دارد که از مهمترین آنها: تغییر در اطلاعات سیستمی نودها، ارسال نوتیفیکشن های ضروری مانند بروز زلزله و ...، آگاهی دادن از تماس های ورودی، پیام های کوتاه (sms) و تمامی سرویس های دیگری که توسط اپراتور قرار است به شما ارائه شود.

به فواصل بین انجام paging cycle 'paging گفته میشود که آن را با نماد T نمایش میدهیم. و پس از این مدت زمان نود بیدار میشود تا دیتا هارا دریافت و یا ارسال کند. که معمولاً برای آن مقدار T 1280 ms و یا 1280 ms در نظر میگیرند به این معنی که اگر نود در فریم T بیدار شود برای سری بعدی ۱۲۸ فریم بعد ینی در فریم T بیدار میشود.

سوال ۱۵ – عنوان سوال

ارتباطات بی سیم را میتوانیم به دوسته single-carrier و multi-carrier تقسیم بکنیم. در روش Single-carrier تنها از یک کانال فرکانسی برای انتقال سیگنال ها استفاده میکنیم درحالی که در multi-carrier کل کانال فرکانسی را به چندین کانال مجزا برای انتقال سیگنال ها تقسیم میکند. و انتقال داده با سرعت بالا به چندین انتقال داده با سرعت کمتر تقسیم میشود که به صورت موازی انجام میشود.

روش single-carrier به طور گسترده در ارتباطات بی سیم استفاده میشود به طور مثال در 1G, 2G, 3G روش single-carrier استفاده میشود.

در روش multi-carrier کل باند فرکانسی به کانال های متفاوت فرکانسی تقسیم میشود و انتقال داده با سرعت زیاد به انتقال هایی که در کانال های متفاوت فرکانسی با سرعت های کمتر انجام میشوند تقسیم میشوند که این انتقال ها در باند های فرکانسی متفاوت به صورت موازی انجام میشود. پس تعداد سیمبل های ورودی در کانال در این روش بیشتر است که این مورد باعث میشود توانایی بیشتر نسبت به single-carrier در مقابله با Single-carrier در مقابله با

روش single-carrier در مقایسه با Multi-carrier چندین مزیت دارد:

- فاصله بین قله و میانگین توان سیگنال ها کم است که این موضوع برای پایداری سیستم و استفاده از دستگاه های با هزینه کمتر در طراحی ارتباطات بیسیم اهمیت زیادی دارد.
- در مقایسه با روش mulit-carrier، روش single-carrier نسبت به تغییرات فرکانس و فاز و نویز ها حساسیت کمتری دارد و روی آن اثر کمتری میذارد و این مورد باعث میشود هماهنگ شدن دیوایس ها در بعد زمان و فرکانس در ارتباطات بیسیم بهتر انجام شود.

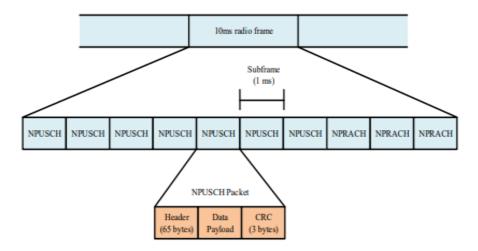
بر خلاف مزایای ذکر شده این روش نسبت به Multi-carrier معایبی نیز دارد که میتوان به مورد زیر اشاره کرد:

• در مقایسه با single-carrier شرای در مقابل multipath fading از خود انعطاف کمتری نشان میدهند که این مورد کارایی طیفی آنهارا کاهش میدهد. زیرا در single-carrier به دلیل پهنای باند بیشتر، تعداد سیمبل های ورودی بیشتر است درنتیجه نسبت به کانال های دلیل پهنای باند بیشتر، تعداد سیمبل های ورودی بیشتر است درنتیجه نسبت به کانال های multipath fading

سوال ۱۶ - عنوان سوال

الف)

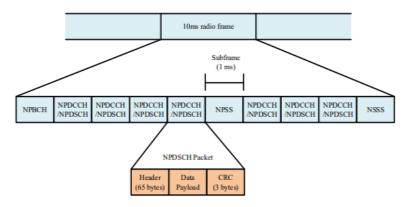
ساختار uplink در NB-IoT به صورت زیر است:



که علائم موجود در شکل به صورت زیر است:

- در NPUSCH(Narrow Band Uplink Shared Channel): هم دیتا و هم اطلاعات کنترلی در NB-IoT برخلاف LTE توسط یک کانال اشتراکی منتقل میشوند. که تمایز بین آنها با دوفرمت ایجاد میشود. فرمت اول برای انتقال داده های uplink استفاده میشود و از turbo code برای اصلاح خطا استفاده میکند. فرمت ۲ برای (HARQ(Hybrid Automatic Repeat Request) میشود. محتویات فیلد NPUSCH شامل Header, Data Payload, CRC میشود.
- · NPRACH(Narrow Band Physical Random Access Channel) این فیلد: NPRACH(Narrow Band Physical Random Access Channel) لا اقادر میسازد که به Base Station وصل شود. UE(User Equipment) و preamble که توسط BE ارسال میشود زمان uplink را بدست می آورد.

ساختار downlink به صورت زیر است:

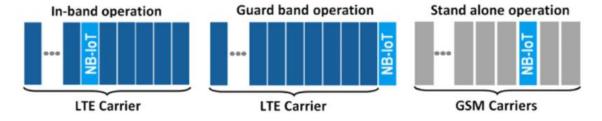


که علائم موجود در شکل به صورت زیر است:

- NPBCH(Narrow Band Physical Broadcast Channel): بلاک اصلی اطلاعات را شامل subframe 0: میشود و در subframe 0 در هر
- NPDCCH(Narrow Band Physical Downlink Control Channel): به عنوان هسته فريم در Paging, UL/DL, مهمى مانند: Downlink مناخته ميشود بخاطر اينكه اطلاعات كنترلى مهمى مانند: RACH، نوع ماژولاسيون استفاده شده براى انتقال داده، كنترل توان و...
- این فیلد انتقال داده را بین Base Station و UE کنترل میکند که سایز آن ثابت به اندازه ۲۳ بیت میباشد و در یک subframe قرار میگرد.
- NPDSCH(Narrow Band Physical Downlink Shared Channel): اطلاعات اصلی منتقل شده در کانال میباشد. که شامل اطلاعات کاربر و اطلاعات سیستمی میشود.
- :NPSS & NSSS (Narrow Band Primary and Secondary Synchronization Signals) برای انجام جست و جوی سلولی توسط همگام سازی زمان و فرکانس و تعیین هویت سلول استفاده میشود. NSSS در NPSS هر ۱۰ فریم ارسال میشود. درحالی NSSS در subframe 9 ارسال میشود.

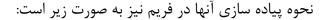
ب)

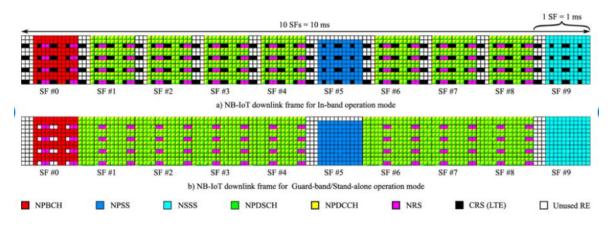
میدانیم سه نوع پیاده سازی در پروتکل NB-IoT داریم که به صورت زیر است:



که توضیحات آنها به صورت زیر است:

- Standalone: از باند GSM به عنوان GSM carrier استفاده میکنیم که پهنای باند 900 الی 1800 مگابایت را برای ما فعال سازی میکند.
- In-band: قسمتی از پهنای باند LTE به عنوان پهنای باند NB-IoT اختصاص داده میشود.
- Guard-band: بین کانال های LTE و WCDMA برای انتقال سیگنال های NB-IoT استفاده میکنیم.





که فریم بالایی نحوه پیاده سازی In-band هست خیلی از باند های فرکانسی توسط CRS اشغال شده است که این نشان میدهد در In-Band برای انتقال سیگنال های NB-IoT استفاده کرده ایم. و همچنین قسمت هایی از standalone ها sub-frame هستندو درحالی که در Guard-band و sub-frame فقط اطراف sub-frame و در sub-frame و عسمت های از sub-frame و در sub-frame و در بقیه قسمت هایی از CRS اختصاص نداده بقیه قسمت ها از تمامی کانال استفاده کرده ایم. همچنین دیگر قسمت هایی رو به CRS اختصاص نداده ایم.

ج)

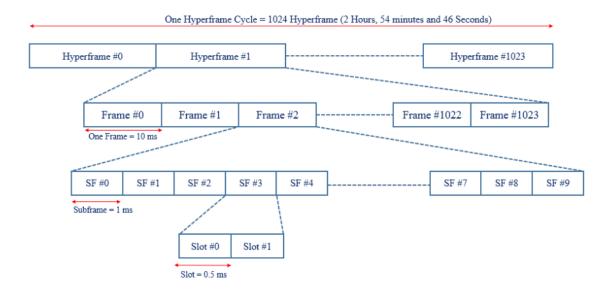
در شبکه NB-IoT از subcarrier استفاده میشود به این معنی که سیگنال های دیگر در کنار سیگنال اصلی قرار میگیرد که باعث میشود کانال اضافی برای انتقال فراهم شود. همچنین باعث میشود در یک انتقال بیشتر از یک سیگنال جدا حمل شود. هر subcarrier اطلاعات اضافی ای حمل میکند و همگی در یک انتقال حمل میشوند و در مقصد از هم جدا میشوند.

(7

Sub-carrier spacing فضای اختصاص داده شده برای sub-carrier میباشد. در NB-IoT که شامل NB-IoT فضای اختصاص داده شده برای sub-carrier spacing که مانند Sub-frame میباشد، هر sub-frame به ۲ اسلات که هرکدام subcarrier spacing به اندازه علی است. هم در uplink و هم در uplink و هم در subcarrier spacing uplink به اندازه subcarrier-spacing uplink فریم که شامل ۲۰ اسلات است پشتیبانی میکند. در

اضافه تر نیز هست. برای این فضای اضافی هر فریم به طور مستقیم به ۵ اسلات هر کدام 2ms تقسیم میشود که در اینجام مفهومی به نام subframe وجود ندارد.

شكل زير subcarrier-spacing به اندازه 15KHz براى downlink قابل مشاهده است:



در شکل زیر نیز subcarrier spacing به اندازه 3.75KHz برای subcarrier spacing قابل مشاهده است:

